

در سوگ جاوید احمد باید چیزی بیشتر از اشک و آه در بساط داشت!

صدیق مصدق (کابل)
ms_mossadeq@yahoo.com

12-03-09



اواخر ماه سپتمبر سال گذشته با یکتن از خبرنگاران "راديو صداى آزادى"، دستگاه تبلیغاتی آيساف قرار ملاقات داشتم. حين ورود به مقر آيساف در کابل با دیدن تصویری در دفتر پذیرش تکان خوردم. در آنجا تصویری از یک جوان با سر تراشیده و ریش تار تار در بین دایره هدف و با متن "WANTED" توجه ام را بخود جلب کرده بود. فکر میکردم که این تصویر را قبلاً در جایی دیده ام. بعد از دقایقی دانستم که این تصویر جاوید احمد است که آنرا چند روز قبل در صفحات تلویزیون و بعضی روزنامه ها دیده بودم که بعد از رهایی از توقیف 11 ماهه اش از زندان بگرام به چاپ رسیده بود. نظامیان امریکایی جاوید احمد

را به اتهام تماس با طالبان دستگیر و طی مدت توقیف و در جریان استنطاق شدیداً شکنجه نموده بودند. با کنجکاوى از سربازان آيساف علت نصب آن تصویر و بدان شکل را در دفتر پذیرش جویا شدم، اما جواب قناعت بخشی دریافت نکردم. آنها با شانه بلند انداختن و دهان کجی حاکی از اینکه "من چه میدانم" و یا "من که نیاویخته ام" اظهار بی اطلاعی کردند. باید یادآور شد که در مجموع صحبت و تماس با این "برادران و رفقای خارجی" (بقول جلالتمآب کرزی و جناب مجددی) اصلاً مطبوع نیست. آنها با ریخت، حرکات، برخورد و تکبری که تبارز میدهند، محض فاصله و انزجار ایجاد میکنند.

حینیکه نیمه روز چهارشنبه 11 مارچ 2009م سری به صفحات انترنتی میزدیم، خبر مرگ جاوید احمد مرا شدیداً تکان داد. همراه با خبر، تصویری از جاوید احمد توجه ام را بخود جلب نمود که تصور آشنایی را در ذهنم تداعی میکرد.

به تدریج خبر به همه رسانه ها رسید، اما چند گونگی و حتی تناقضاتی در مورد اسم و وابستگی وظیفوی جاوید احمد در رسانه های مختلف به نظر میرسید. رسانه ها از او به نامهای جاوید احمد یازمی، جاوید احمد کاکر و جاوید احمد اعظمی کاکر نام بردند. همچنان بعضی او را به یک شبکه تلویزیونی کانادایی و بعضی دیگر هم به یک شبکه انگلیسی زبان ایرانی وابسته میدانستند. اما حقیقت مشترک اینست که جاوید احمد چنانکه با ظاهرش در نگاه اول با تصور کلیشه پی که از طالبان در ذهن داریم، بیشتر تصویر یک طالب را در اذهان تداعی میکرد، صبح روز چهارشنبه در چوک شهداء شهر قندهار، جاییکه محل تجمع مردم و مقامات امنیتی و اداری آن ولایت است به ضرب گلوله افراد ناشناس از پا درآمد.

گفته میشود که جاوید احمد در نظر داشت تا خاطرات و تجارب زندان اش را به روی کاغذ بیاورد. امید میروید تا وی قبل از مرگ نا به هنگامش به چنین آرزویی دست یافته باشد تا حد اقل شمه ای از حقیقت ستیزی منادیان آزادی بیان و حقوق بشر برملا گردیده باشد.

سوال اینجاست که جاوید احمد با سلاح قلم، مایک و کمره چه چیزی برای گفتن داشت که دشمنان آزادی بیان را اینگونه سراسیمه ساخته بود که بعد از تهدیدات مکرر، ناجوانمردانه حیانتش را در 23 مین سال زندگیش دزدانه ربودند؟

نکته جالب اینست که طالبان منحیت سرکوب کننده هر نوع آزادی حين حاکمیت متحجر شان در همان لحظات اول از دست داشتن در قتل جاوید احمد انکار ورزیده و آنرا نکوهش نمودند.

در حالیکه حدس ها و گمانه زنی های زیادی در مورد عاملین و علت قتل جاوید احمد موجود است، اما حقیقت امر رازبست که تا هنوز سر به مهر باقی مانده است. با در پرده ماندن دلایل قتل عبدالصمد

روحانی، اجمل نقشبندی، ذکیه ذکی، ... احتمال آن نمی‌رود که به زودی هیچ نهادی، چه اجتماعی، فرهنگی و یا عدلی-قضایی با برگماشتن کمیسیونی یا اتخاذ اقدامی عاملین و علل این جنایت نابخشودنی را پیگیری و افشا نمایند. یکی از خبرنگاران شام چهارشنبه طی گزارشی از اتحادیه های مختلف ژورنالیستان بخاطر سر و صدای شان در آغاز قتل و دستگیری هر خبرنگار و خاموشی مرگبار آنها بعد از مدتی شدیداً انتقاد نمود. جای تأسف مضاعف است که در عین روز خبر قتل خبرنگار یک تلویزیون خصوصی از طرف نیروهای امنیتی نیز منتشر شد که در مورد مشخصات خبرنگار مقتول و رویداد متذکره جزئیات بیشتر ارائه نشده است.

در غرب ضرب المثلی است بدین شرح: "از کثرت درختان بعضاً نمیتوان جنگل را دید." به همین ترتیب در کشور ما نیز با موجودیت رادیو ها، تلویزیون ها و نشرات متعدد و نچندان متنوع چه بسا که اصل و اصالت آزادی بیان قربانی گردیده و اکثریت این رسانه ها به دکانک ها، تجارت ها و وسایل زراندوزی، زورآزمایی و شخصیت سازی های کاذب مبدل گردیده اند. اگر نه چنانست میباید که همه رسانه ها با یک صف آرای می مستحکم و واحد در پیگیری قتل همکاران شهید شان و افشای عاملین و علل این جنایات چنان متحدانه و سرسختانه عمل نمایند تا مسوولین دولتی رسانه ها این بار آنها را نه بخاطر پخش سریال های مزخرف هندی و یا نشر آهنگهای مبتذل عربی و غربی بلکه بخاطر عدم تابعیت اجتماعی و ملکی محکوم نمایند. رسانه ها بدانند که در این راستا اگر فروشندگان اعلانات با آنها هم‌نوا نباشند، مردم با آنها همراه خواهند بود.

**به امید ناگفته های بسیار از قلم، مایک و کمره ژورنالیستان هدفمند، راه جاوید احمد را پر
رهر و خواهانم!
به آرزوی حقجویی و حقجویی، روح جاوید احمد شاد و یادش جاودانه باد!
خدایش پیامرزاد!**

(در لینک ذیل جاوید احمد از جریان بازداشتش سخن میگوید)

http://www.bbc.co.uk/persian/afghanistan/story/2008/09/080923_ram-afghan-journalist.shtml